

فارسی

جعبه کلمات درس شانزدهم کلمات هم معنی	
مُلک - پادشاهی، کشور	نثر - نوشته، خلاف نظم
ادا کردن - به جای آوردن، برگزار کردن، انجام دادن	تعالی - بلندمرتبه، برتر
لایق - شایسته، سزاوار	جماعت - مردم، جمعیت، گروه
راغب - مایل، علاقمند	وقت و وقت - گاه گاه، موعه موعه، بعضی اوقات
اعتدال - میانه روی، حد وسط	مُحال - غیرممکن
گزاف - بیهوده، دروغ، لاف	ملاول - غمگین، آزرده
مستمع - شنونده	پیشه - کار، حرفه، شغل
گیسی - جهان	کلسی - کمی، نقصان
ذروغ - روشنایی، نور، پرتو	ذروغ آزمای - ذروغگو، ذروغ زدن
	سلاطین - جمع سلطان، پادشاهان، امیران

املا دان:

الف) سیوم ← سیم
مذاف ← مژاف
ب) ۱) سلاطین - عجایب - حکایت گوینان
۲) راغب - اعتدال - بی ذروغ



۱. مُحال ← غیرممکن مسموع ← شنونده
ادا ← انجام عبرت ← پند، اندرز
تسلّی ← کاستن از اندوه کسی
۲. الف) درست
ب) نادرست: یعنی شنونده آزرده شود.
پ) درست
۳. الف) است - است - است
ب) خوانیمش
پ) مکن
۴. مشبّه: نظم
مشبّه‌به: نمک
وجه شبه: چاشنی بودن و تأثیر خوب گذاشتن ولی به اعتدال
ادات تشبیه: چون
۵. حضرت ← حاضران
سمعک ← مسموع
اعتبار ← عبرت
افتتاح ← فاتحه
برکت ← هم خانواده ای در درس ندارد
عدالت ← اعتدال
۶. فاتحه = خانمه
محنت = آسانی
نظم = نثر
مستمع = کر، ناشنوا
محال = ممکن، میسر
۷. الف) دوم این که در فن سخن گفتن چابک و زرنگ باشد و بی تجربه و خام نباشد.
ب) شعر را به گونه‌ای نخواند که شنونده آزرده و خسته شود.
پ) وقتی قصّه‌ی نابودی کشور و اموال پادشاهان گذشته را می‌شنود دیگر به مال دنیا دل نمی‌بندد.

فارسی

۸. الف) گزینه‌ی «۲»

ب) گزینه‌ی «۱»

پ) گزینه‌ی «۱»

۹. الف) زیرا از او خشمگین بود.

ب) او را از عذاب وجدان ترساند.

پ) یعنی موجبات رنجش و آزرده‌گی خود را به وجود نیاورد.

ت) بازپاسخ